



2

Vol. 9
Summer 2024

Research Paper

Received:
16 June 2024
Revised:
24 June 2024
Accepted:
17 August 2024
Published:
21 September 2024
P.P: 85-111ISSN: 2783-1914
E-ISSN: 2783-1450**Explaining the meaning and concept of socialization and community building with emphasis on the thought of Imam Khamenei**Asghar Eftekhari *¹ | Mohamad Bagher Babahadi ^{2*} **Abstract**

The concept of "communization" is one of the innovative and new concepts in the discourse of the Islamic Revolution, which is specifically mentioned in the statement of the second step. This concept, along with two other important concepts in this statement, i.e. "self-building" and "civilization-building", shows the connection of these three concepts with each other, as well as the connection with the 5-stage process of realizing the new Islamic civilization, which has been proposed by the leader of the revolution many times. This article uses the method of descriptive semantics to analyze this novel composition in detail, and with linguistics as well as the use of terms and concepts close to this concept such as "community", "community" and "Islamic society" in Quranic and Islamic literature and Islamic thinkers and others. The statements of the wise leader of the revolution try to recognize this important combination. This article is written with a descriptive and analytical approach, and the main question is, "In what sense are communityization and community building used in the thought of the Supreme Ayatollah Khamenei, and what are their differences with each other?" By examining the differences between "paying" and "making", certain differences between socialization and socialization were revealed in this research. Also, by analyzing the statements of His Holiness regarding the construction of the Iranian Islamic society, we found that his main view in the field of socialization is looking at the appearance of the Islamic society, because he considers the foundation of the Iranian people, which is responsible for socialization, to be strong and solid, which can be easily undermined. Is not. Also, paying attention to important elements and components such as transformation, jihadi work, and rejuvenation, etc., is an indicator of the skin and appearance of society and is one of the components of socialization.

Keywords: "socialization", "community building", "Islamic society", "society", "Grand Ayatollah Khamenei" .

1. Professor of the Faculty of Islamic Studies and Political Sciences of Imam Sadiq University, Tehran, Iran.
2. Doctoral student of Political Sociology at Imam Sadiq University, Tehran. Iran.
babahadi313@gmail.com

Cite this Paper: Eftekhari, A & Babahadi, M.B (2024). Explaining the meaning and concept of socialization and community building with emphasis on the thought of Imam Khamenei. *State Studies of Contemporary Iran*, 2(9), 85–111.

Publisher: Imam Hussein University

Authors



This article is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) (CC BY 4.0) .



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تبیین معنا و مفهوم «جامعه‌پردازی» و «جامعه‌سازی» با تأکید بر اندیشه

امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

اصغر افتخاری^۱ | محمدباقر باباهادی*^{۱۶۲}

۲

دوره نهم
تابستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۴/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۶/۳۱

صص: ۸۵-۱۱۱

شاپا چاپی: ۱۹۱۴-۲۷۸۳

الکترونیکی: ۱۴۵۰-۲۷۸۳



چکیده

مفهوم «جامعه‌پردازی» یکی از مفاهیم بدیع و جدید در گفتمان انقلاب اسلامی است که به صورت مشخص در بیانیه گام دوم به آن اشاره شده است. این مفهوم در کنار دو مفهوم مهم دیگر در این بیانیه یعنی «خودسازی» و «تمدن‌سازی» نشان از ارتباط این سه مفهوم با یکدیگر و همچنین ارتباط با فرآیند ۵ مرحله‌ای تحقق تمدن نوین اسلامی دارد که توسط رهبر انقلاب بارها مطرح گردیده است. مقاله حاضر با روش معناشناسی توصیفی به تحلیل دقیق این ترکیب بدیع، و با زبان‌شناسی و همچنین استفاده از اصطلاحات و مفاهیم نزدیک به این مفهوم نظیر «جامعه‌سازی»، «جامعه» و «جامعه اسلامی» در ادبیات قرآنی و اسلامی و اندیشمندان اسلام و سایر بیانات رهبر حکیم انقلاب، سعی بر شناخت این ترکیب مهم دارد. این مقاله با رویکرد توصیفی و تحلیلی نگاشته شده و سؤال اصلی این است که «جامعه‌پردازی و جامعه‌سازی در اندیشه آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی به چه معنایی به کار رفته‌اند و چه تمایزاتی با یکدیگر دارند؟» با بررسی تفاوت‌های «پرداختن» و «ساختن» تفاوت‌های مشخصی بین جامعه‌سازی و جامعه‌پردازی در این پژوهش نمایان گردید. همچنین با تحلیل بیانات معظم له در نگاه به ساخت جامعه ایران اسلامی، دریافتیم که عمده نگاه ایشان در حوزه جامعه‌پردازی ناظر بر ظاهر جامعه اسلامی است، زیرا بنیه مردم ایران را که ناظر بر جامعه‌سازی است، ایشان قوی و مستحکم می‌دانند که به راحتی قابل خدشه نمی‌باشد. همچنین توجه به عناصر و مؤلفه‌های مهمی مانند تحول، کار جهادی و جوان‌گرایی و نظایر آنها ناظر بر پوسته و ظاهر جامعه و از مؤلفه‌های جامعه‌پردازی است.

کلیدواژه‌ها: جامعه‌پردازی، جامعه‌سازی، جامعه اسلامی، جامعه، آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای.

۱. استاد دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

۲. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران.

استناد: افتخاری، اصغر و باباهادی، محمدباقر (۱۴۰۳). تبیین معنا و مفهوم «جامعه‌پردازی» و «جامعه‌سازی» با تأکید بر اندیشه امام

خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، **دولت پژوهی ایران معاصر**، ۲(۹)، ۸۵-۱۱۱

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.27831914.1403.10.2.4.3>

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع) نویسندهگان

این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.



مقدمه و بیان مسئله

بیانیه گام دوم انقلاب، در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی از سوی رهبر حکیم انقلاب صادر گردید. موضوعات اجتماعی مطرح شده در این بیانیه از حیث بررسی‌های جامعه‌شناسانه دارای اهمیت بوده و جایگاه رهبر انقلاب از حیث رهبری امت و یک نظریه‌پرداز عرصه حکمرانی نیز اهمیت موضوع را مضاعف می‌نماید.

در این بیانیه تعبیر جدید «جامعه‌پردازی» ذیل رسیدن به تمدن اسلامی مطرح شده که در راستای رسیدن به «جامعه اسلامی» است. رهبر معظم انقلاب یکی از اهداف گام دوم انقلاب را در کنار خودسازی و تمدن‌سازی، جامعه‌پردازی بیان می‌نمایند. (خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷)

واژه «جامعه‌پردازی» برای نخستین بار در بیانیه گام دوم آمده است و تاکنون تعریف مشخص و روشنی از آن توسط معظم له به‌صراحت بیان نشده است. یکی از تلاش‌های پژوهش حاضر یافتن معنای جامع و مانعی برای مفهوم اساسی و مهم «جامعه‌پردازی» خواهد بود؛ اما نزدیک‌ترین معنا به این مفهوم در گفتمان رهبر معظم انقلاب، کلیدواژه «جامعه‌سازی» است که یکی از مفاهیم مهم مقاله حاضر در راه تبیین درست جامعه‌پردازی می‌باشد.

پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی - تحلیلی بوده و بر مبنای روش کتابخانه‌ای داده‌ها گردآوری شده است. در این مقاله به روش معناشناسی توصیفی داده‌های اصلی که متن بیانات رهبر حکیم انقلاب اسلامی است، تحلیل گردیده است، به این صورت که پس از ریشه‌شناسی و لغت‌شناسی، واژه نزدیک و هم‌نشین برای توصیف شباهت و تفاوت معنای واژه اصلی، یعنی جامعه‌پردازی مورد بررسی قرار گرفته است. در اینجا سعی بر این است تا مفاهیم مهم «جامعه‌پردازی» و «جامعه‌سازی» با توجه به نگاه و اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای به‌درستی فهم شود. سؤال اصلی این پژوهش این است که «جامعه‌پردازی و جامعه‌سازی در اندیشه آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای^{مدظله‌العالی} به چه معنایی به کار رفته‌اند و چه تمایزاتی با یکدیگر دارند؟» همچنین سؤالات فرعی به این صورت خواهد بود که: «جامعه اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای چیست؟» و «جامعه اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای چه ویژگی‌هایی دارد؟». این پژوهش از این حیث دارای اهمیت بوده که سردرگمی نظری در فهم

معانی این تعابیر مهم در گفتمان انقلاب اسلامی را کم کرده و پایه‌ای برای پژوهش‌های دیگر در حوزه اندیشه رهبر معظم انقلاب باشد و همچنین با بسط این مفاهیم در حوزه نظری، به حوزه کاربردی و اجرایی برای دولت اسلامی نیز کمک خواهد شد. یکی از خلأهای فعلی در حوزه پژوهشی به‌خصوص در حوزه تخصصی اندیشه متفکران اسلامی نظیر آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) عدم دقت و توجه به معنای الفاظ و واژگان کلیدی به کار برده شده توسط ایشان است که باعث می‌شود، همچون ترجمه غربی یا تعبیر عامیانه با برخی از این واژگان برخورد شود، و این مسیر پژوهش‌های بعدی را مختل کرده و یا با نتایج اشتباه روبرو می‌سازد.

پیشینه تحقیق

جامعه‌پردازی، درآمدی بر نظام هنجاری اسلام (خیری، ۱۳۹۹)

این کتاب با رویکردی فلسفی و با استفاده از نظریه‌های اسلامی از علامه طباطبایی، شهید صدر و شهید مطهری سعی بر ارائه تلفیقی از نگاه اسلامی در حوزه نظام اجتماعی اسلام و نگاه اجتماعی اسلام به مسائل دارد. در این کتاب نویسنده با استفاده از نظریه استخلاف شهید صدر به روابط انسان با انسان، یا انسان با جامعه و خداوند می‌پردازد و ذیل آن به مباحث نظام اجتماعی اسلامی از جمله همبستگی اجتماعی، نظم اجتماعی، جامعه‌پذیری و موضوعاتی از این دست اشاره می‌کند. این اثر به مبحثی به‌روز و موردنیاز جامعه اشاره دارد و با تلفیقی هوشمندانه سعی در استفاده از نظریات اسلامی علمای شیعه برای تبیین نگاه کلان خود دارد. از دیگر نکات مهم این کتاب در مقایسه با مقاله حاضر باید گفت که از حیث موضوعی قرابت زیادی دارد، اما به اندیشه رهبر انقلاب به معنای کلان و چارچوب اشاره نشده است. پژوهش حاضر از حیث پرداختن به مفهوم جامعه‌پردازی در اندیشه رهبر معظم انقلاب، با این کتاب افتراق‌های زیادی دارد.

جامعه‌پردازی در گام دوم انقلاب اسلامی با نظریه «نظام انقلابی» (سرپرست سادات، ۱۳۹۸)

این مقاله به دنبال یافتن پاسخ یک سؤال است، و آن اینکه آیا بین جوشش انقلابی و به یک معنا تغییر و تحول دائمی، و نظم و ثبات یک نظام رابطه تضاد وجود ندارد؟ و این مقوله را در اندیشه رهبر انقلاب جستجو کرده و به این نتیجه می‌رسد که تضادی وجود ندارد؛ بلکه انقلابی‌گری در

اندیشه رهبری یک راه مهم در تثبیت نظام است. این پژوهش از بعد پرداخت به موضوع مقاله حاضر، نزدیک است و هم اینکه در اندیشه رهبر انقلاب می‌باشد. اما از جهت پرداختن به موضوع کامل نبوده و عنوان مقاله چیزی غیر از سوال تحقیق به ذهن متبادر می‌کند.

بررسی ابعاد جامعه‌پردازی در اندیشه حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (ده‌چالی، ۱۳۹۹)

این پایان‌نامه ضمن تبیین معنای جامعه‌پردازی، به بررسی ابعاد آن در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای می‌پردازد و سپس این مفهوم در نسبت با برخی مفاهیم نزدیک دیگر نظیر اجتماعی شدن سیاسی و تربیت سیاسی بررسی شده است. همچنین نویسنده مفاهیم کلان تحقیق شامل جامعه و فرهنگ، هویت و تمدن را تشریح نموده است. در ادامه چهار بُعد از ابعاد جامعه‌پردازی با روش پدام در دو لایه سطحی و عمیق استخراج گردیده است. این ابعاد شامل: شناساندن صحنه، جهت‌دهی صحیح به ظرفیت‌های موجود، امیدپراکنی و دستیابی به راهکارهای عملی متناسب با زمان می‌باشد. وجه تمایز این اثر با پژوهش حاضر این است که پژوهش حاضر به دنبال تبیین جامعه‌پردازی از حیث معناشناسی و زبان‌شناسی مبتنی بر اندیشه رهبر انقلاب خواهد بود.

نظریه جامعه اسلامی بر اساس بیانات مقام معظم رهبری: زمینه‌ها، فرایند و پیامدها (مهری، ۱۳۹۳)

این مقاله به دنبال ساخت یک نظریه به‌وسیله روش داده‌بنیاد بر اساس بیانات رهبر انقلاب در موضوع جامعه اسلامی است. سوال اصلی این است که چه مدلی برای ساخت یک جامعه اسلامی بر اساس بیانات رهبر انقلاب وجود دارد. نویسنده پس از گردآوری و مقوله‌بندی در آخر به یک جمع‌بندی تحت عنوان یافته‌ها می‌رسد که متعین‌های شناختی = معرفتی، اعتقادی، مجاهدت و تلاش جمعی به‌عنوان شرایط علی درونی؛ استکبارستیزی به‌عنوان شرایط علی بیرونی؛ عوامل مدیریتی و رفتار خواص به‌عنوان شرایط مداخله‌گر؛ احیای قدرت دین و توجه به معنویت، نقش پیدا کردن مردم و راهبرد استکبارستیزی به‌عنوان راهبردهای جامعه اسلامی و مقوله هسته‌ای این بررسی، جامعه اسلامی است که مقولات عمده را در بر می‌گیرد. در آخر نیز به پیامد ایجاد جامعه

اسلامی اشاره می‌کند که آن احیای فرهنگ ناب و خالص اسلامی، ایجاد جامعه نمونه و زنده ماندن اسلام است.

مقاله به دنبال طراحی یک مدل برای تبیین جامعه اسلامی از منظر رهبر انقلاب است که از این حیث ارزشمند است و به صورت علمی و با روش داده بنیاد، فیش‌های جامعه اسلامی بررسی شده تا به یک مدل نهایی برسد. اما مدل نهایی صرفاً جمع‌بندی و مقوله‌بندی فیش‌هاست و یک نظریه منفتح و همراه تحلیل دیده نمی‌شود. اما در نهایت مقاله خوبی است که در مقاله حاضر قابل پرداخت و بررسی و استفاده خواهد بود.

مبانی مفهومی و نظری

جامعه^۱

جامعه در لغت‌نامه دهخدا به گروه مردم یک شهر، کشور، جهان یا صنفی از مردم؛ مانند جامعه بشریت، سیاه‌پوستان، هنری و... تعبیر شده است، همچنین مفاهیم نزدیکی چون جامعه مدنی یا جامعه بی‌طبقه را برای فهم بهتر معنای جامعه در کنار آن ذکر کرده است. (لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۸۵:۶۴۹۰) در فرهنگ عمید ذیل این واژه اشاره شده است که جامعه که جمعش جوامع است، یعنی گروهی از مردم که با هم وجه اشتراک داشته باشند و در سرزمینی واحد زندگی کنند. (عمید، ۱۳۷۵:۶۷۰)

جامعه در نگاه اندیشمندان جامعه‌شناسی غربی

در ابتدای بررسی مفهوم جامعه و ساختار آن در نگاه اندیشمندان، برای مشخص‌تر شدن محدوده این مفهوم باید اشاره کرد که اولاً جامعه با تعابیری نظیر اجتماع، جماعت، محفل، گروه، جمعیت، انجمن، شرکت و مجمع اشتراک معنایی داشته که البته در جایگاه تخصصی، هر کدام معنایی دقیق‌تر را در بر می‌گیرند.

جامعه در قالب یک مفهوم

در زمان یونان باستان، ارسطو در کتاب‌های اخلاق و سیاست به تأمل در طبیعت جامعه سیاسی و جوامع انسانی در کل پرداخت. در آن زمان مفاهیم اجتماع، جماعت و جامعه همگی زیر عنوان

1 Society

Koinōnia می‌آمدند و واژه جداگانه‌ای برای جامعه وجود نداشت. در آن دوره جامعه به دولت - شهر تعبیر می‌شد و دولت - شهر، اجتماعی از آزادگان و برابرها است که بر پایه اصول قانونی بنا شده و زور در تشکیل آن نقشی ندارد. هابز در کتاب عناصر قانون به سال ۱۶۴۰، جامعه مدنی و جامعه سیاسی را مترادف می‌گیرد، دو مفهومی که امروز مردم از آن به جامعه مدنی تعبیر می‌کنند و یونانیان به آن دولت شهر می‌گفتند. مدینه‌ای با تعدادی مردم که توسط یک قدرت مشترک عمومی به صورت یک شخص درآمده تا صلح، دفاع و نفع مشترک آنها را تامین کند.

(Hobbes, Elements of Law, 1928: 65) البته بعدتر او در لویاتان به این رسید که جوامع از طبیعت پدید نمی‌آیند، بلکه وضعیت آدمی، وضعیت جنگ همه علیه همه است.

(Hobbes, Leviathan, 1958: 158) در فرآیند عمومی‌تر شدن و گسترده شدن مفهوم جامعه باید گفت که انقلاب فرانسه به مردمی شدن مفهوم جامعه کمک کرد، آن‌چنان که این مفهوم حالا دیگر تمام بشریت را در گرفته است و مفاهیم محدود قبل از جامعه مدنی را به نوعی کنار زد. از نظر هگل جامعه، متشکل از افراد خصوصی (دارای مالکیت خصوصی) بود که به خاطر نیاز و کار به هم مربوط شدند. ارضای نیازهای افراد موجب تحقق و ارضای نیازهای عمومی جامعه است. آگوست کنت که اولین بار اصطلاح جامعه‌شناسی را پس از فیزیک اجتماعی به کاربرد، جامعه را یک اندام اجتماعی تصور می‌کند که در درون آن، نیروهای اجتماعی وجود دارند و این نیروها، محصول یک همبستگی و تعاون‌اند. نیروهایی که در آن واحد، مادی، معنوی و اخلاقی‌اند.

(Thompson, 1976: 136)

جامعه؛ در قالب یک موضوع

دور کیم در قالب یک موضوع، جامعه را در دو ساحت واقعیتهای خود بنیاد و یک نظم اخلاقی قرار می‌دهد. به عنوان واقعیتهای خود بنیاد، دور کیم جامعه را یک هستی مستقل می‌داند که از همبستگی افراد تشکیل می‌شود. جامعه یک موضوع متمایز و بزرگ‌تر از حاصل جمع اجزاء خودش است. یک نظم جدید از واقعیت را با ویژگی‌های خاص خودش تشکیل می‌دهد و به همین جهت، به جامعه خود بنیاد می‌گوید. جامعه دارای خواصی است که از اجزاء به صورت مستقلشان، ناشی نمی‌شود، بلکه از خود ترکیب منتج می‌گردد. دور کیم در یک تمثیل اشاره می‌کند به اینکه مایع بودن و دیگر ویژگی‌های آب، به هیچ یک از دو عنصر تشکیل دهنده آن یعنی اکسیژن و هیدروژن

شبهاتی ندارد و این ترکیب یک چیز جدید با خواص جدید ایجاد کرده است. او جامعه را امری طبیعی و به تعبیری برترین هستی جهان طبیعی می‌داند. (Bellah, 1973: 205-215) دورکیم معتقد است، تمدن ذاتاً یک امر اجتماعی است که در واقع برآیند تلاش مبتنی بر تعاون است. در تمدن فرض بر این است که نسل‌ها به هم پیوند خورده‌اند و این امر تنها در جامعه و از طریق جامعه امکان‌پذیر است. (DURKHEIM, 1983: 255-257)

اما ساحت نظم اخلاقی جامعه که در آن دورکیم معتقد است که جامعه به‌عنوان یک واقعیت خود بنیاد، به‌وسیله همبستگی اجتماعی مبتنی بر اخلاق که ناشی از قدرت اخلاقی خود جامعه است به نظم و یکپارچگی می‌رسد. دورکیم معتقد است که دین همان جامعه است و در رابطه با فرد و جامعه می‌گوید؛ جامعه بر ما حکم می‌راند؛ زیرا خارج از ما و برتر از ماست، فاصله اخلاقی‌اش با ما، آن را به‌صورت مرجع اقتداری در می‌آورد که اراده‌مان در برابرش تسلیم است، این تسلیم البته با نوعی خواست خود بنیاد همراه است، زیرا ما هر کاری که بکنیم جز بخش کوچکی از جامعه به ما تعلق نخواهد گرفت و جامعه سلطه نامحدودش بر ما را حفظ می‌کند. (Durkheim E. , 200: 235)

جامعه به‌عنوان مفهومی غایب

زیمل به‌عنوان یکی از جامعه‌شناسان و فیلسوفان اواخر قرن ۱۹، برای فهم جامعه به ارتباط و کنش‌های متقابل واقعی میان افراد و گروه‌ها توجه دارد و جامعه را موجودی ثانوی و یک نتیجه حاصل از این کنش‌ها می‌داند. او معتقد است که جامعه فقط نام سرجمع این فعل و انفعال‌هاست. پس یک مفهوم ثابت و یکنواخت نیست، بلکه با توجه به تعداد افزون‌تر و انسجام بیشتر فعل و انفعال‌های موجود میان افراد، مفهومی تدریجی است. بدین‌سان، مفهوم جامعه آن بُعد پر رمز و رازی را که واقع‌گرایی فردگرایانه می‌خواهد آن را ببیند از دست می‌دهد (Simmel, Über soziale Differenzierung, 1809: 115) و با این حساب مفهوم فراگیر جامعه محو می‌شود و صرفاً مجموعه‌ای از افراد باقی می‌ماند. زیمل ضمن تأکید بر اینکه افراد و کنش متقابل آنها چیزی است که جامعه را تشکیل می‌دهد، مخالف تقلیل دادن مطالعه زندگی اجتماعی به مطالعه صرفاً افراد است. زیمل در معنایی دقیق‌تر فعل و انفعالات و اشکال جامعه‌پذیری مثل مبادله یا مناسبات سلطه و تابعیت و نظیر اینها را صورت‌هایی می‌داند که جامعه در آن صورت‌ها موجودیت می‌یابد.

اما در ادامه باید اشاره کنیم به یک بحث از وبر حول جامعه‌شناسی و کنش اجتماعی، در بحث وبر یکی از نقاط مهم توجه به بازیگر فردی، عاملیت آنها، انگیزه‌ها و معناهای منتسب به اعمال آنهاست. او معتقد است که جامعه‌شناسی باید علمی باشد که به درک تفسیری کنش اجتماعی و بدین توجیه علمی روند و پیامدهای آن پردازد. تا آنجا می‌توان از کنش صحبت کرد که فرد عامل یک معنای ذهنی به این رفتار بیفزاید. این معنا می‌تواند پنهان یا آشکار، ایجابی یا سلبی باشد. (Weber, 1978: 86-110)

جامعه همچون طبیعت دوم

مارکس جامعه را مجموعه‌ای از روابط اجتماعی می‌داند. او دو مفهوم اساسی را به نحو دیگری تعریف می‌کند، مفهوم فرد و جامعه و هر نوع فرد به‌عنوان ذره‌ای جدا افتاده را رد می‌کند، فردی که از گذشته تاریخی و اجتماعی مستقل باشد. او معتقد است افراد در همه‌جا و همیشه، افراد اجتماعی‌اند. همچنین جامعه به‌عنوان «ذهن و سوژه» را که بر فراز و جدای از افراد درگیر در کنش متقابل است، به‌عنوان نوعی شیء شدن رد می‌کند. از نظر مارکس این دو مفهوم درهم تنیده‌اند و به هم مربوط‌اند. او معتقد است، تعریف جامعه شامل شرط‌های تاریخی و اجتماعی است. (مارکس و انگلیس، ایدئولوژی آلمانی، ۱۳۹۷: ۵۱۷-۵۲۵)

از نظر مارکس طبیعتی که در تاریخ بشر و تکوین جامعه انسانی تحول می‌یابد، طبیعت واقعی انسان است. (مارکس، دست‌نوشته‌های اقتصادی و فلسفی ۱۸۴۴، ۱۴۰۲: ۱۲۵) از نگاه مارکس، افراد اجتماعی‌اند و نمی‌توان آنها را از این حد تنزل داد. مستقل از زمینه‌ی اجتماعی‌شان نمی‌توان آنها را کاملاً توصیف کرد. (مارکس، فقر فلسفه، ۱۳۹۹: ۲۱۳-۲۱۵) البته هر مقدار مارکس بر اجتماعی بودن فرد تأکید دارد، از شیء ساختن جامعه ابا دارد. او معتقد است نباید جامعه را به‌عنوان یک موضوع یا یک شخص دید. (مارکس و انگلیس، ایدئولوژی آلمانی، ۱۳۹۷: ۵۱۷-۵۲۵) مارکس می‌گوید باید از فرض جامعه به‌عنوان یک انتزاع در برابر فرد خودداری کرد. فرد هستی اجتماعی است. از نظر مارکس و برخلاف نظر ماکس وبر، عبادت در تنهایی نیز یک عمل اجتماعی است. چون معتقد است که وجود خود من، فعالیتی اجتماعی است. (مارکس، دست‌نوشته‌های اقتصادی و فلسفی ۱۸۴۴، ۱۴۰۲: ۱۳۸)

مارکس معتقد است که جامعه مرکب از افراد نیست، مرکب از حاصل جمع روابط متقابل است که افراد در درون آنها قرار دارند، مثل این است که کسی بگوید: در یک نظر به جامعه، برده و شهروند نداریم و هر دو انسان‌اند. اگر جامعه را در نظر نگیریم، همین طور است که می‌گویند. اما برده بودن یا شهروند بودن از تعینات اجتماعی‌اند و نتیجه رابطه بین انسان‌ها هستند. الف و ب را در نظر بگیریم، انسان الف به خودی خود برده نیست. او از طریق جامعه و در جامعه برده می‌شود؛ بنابراین جامعه یک موضوع خود بنیاد خود کنش نیست، تنها موضوع‌های آن افرادند، افرادی که در روابط متقابل مدام تولید و بازتولید می‌شوند. (مارکس، گروندریسه؛ دست‌نوشته‌های اقتصادی ۱۸۵۸-۱۸۵۷، ۱۳۹۹: ۶۸۶-۶۹۵) مارکس در کتاب درآمدی بر نقد اقتصاد سیاسی در سال ۱۸۵۹ می‌گوید، مجموع این روابط تولید، ساختار اقتصادی جامعه و بنیاد واقعی آن را تشکیل می‌دهند که بر روی آن یک روینای حقوقی و سیاسی پدید می‌آید که شکل‌های خاصی از آگاهی اجتماعی با آن انطباق دارد. وجه تولید زندگی مادی، فرآیند عام زندگی اجتماعی، سیاسی و فکری را تعیین می‌کند. (مارکس، مقدمه‌ای بر نقد اقتصاد سیاسی، ۱۳۸۲: ۶۰-۹۸)

جامعه از منظر قرآن کریم

از آیات قرآن کریم این گونه برمی‌آید که انسان، موجودی اجتماعی است، آیه معروف «یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا...»^۱ «ای مردم، ما شما را از یک مرد و یک زن (آدم و حوا) آفریدیم؛ بنابراین هیچ تیره و قبیله‌ای در آفرینش بر دیگری برتری ندارد؛ ما شما را به صورت تیره‌های گوناگون و قبیله‌های مختلف قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید» در اینجا بحثی مطرح می‌شود که با اشاره به دو واژه قبیله و شعب، خداوند دو نوع از اجتماع را مدنظر قرار دادند، اجتماع قبیله‌ای که در آن بر اساس روابط فامیلی، دور همدیگر جمع شده‌اند و اجتماعی دیگر که گروهی از مردم هستند که با یکدیگر زندگی می‌کنند بدون ارتباط فامیلی که بنا بر یک وحدت جغرافیایی و یا چیزی نظیر آن با هم متحد هستند و زندگی مشترکی دارند و اساساً دارای یک نوع قانون، آداب و رسوم و یک حکومت و حتی مذهب هستند.

۱ سوره مبارکه حجرات، آیه ۱۳.

علامه طباطبایی با پذیرش ترکیب حقیقی بودن جامعه می‌فرماید که اولاً جامعه به حکم این که خود از نوعی حیات مستقل از حیات فردی برخوردار است - هرچند این حیات جمعی وجود جدایی نداشته و در افراد پراکنده شده و حلول کرده است - قوانین و سنتی مستقل از افراد اجزای خود دارد که باید شناخته شود؛ ثانیاً، اجزای جامعه که همان افراد انسان‌اند، برخلاف نظریه ماشینی، استقلال هویت خود را ولو به طور نسبی ازدست‌داده، حالت ارگانیزه پیدا می‌کنند، ولی درعین حال استقلال نسبی افراد محفوظ است. (پارسانیا، ۱۳۸۰: ۲۱۰)

علامه طباطبایی در المیزان مبتنی بر قرآن کریم، از هفت آیه به وجود حقیقی جامعه یا امت اشاره می‌کنند؛ آن آیات عبارت‌اند از:

آیه اول: «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ»؛ و برای هر امتی اجلی است؛ پس هنگامی که اجل آنان فرا رسد، نه ساعتی آن را پس اندازند و نه پیش^۱
 آیه دوم، «كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا»؛ هر امتی را به سوی کتاب آن فرا خوانند^۲
 آیه سوم، «زَيْنًا لِّكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ»؛ برای هر امت کار آنان را زینت دادیم.^۳
 آیه چهارم، «مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ»؛ از میان آنان امت میانه رو هستند^۴
 آیه پنجم، «أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ»؛ از اهل کتاب امتی قائم هستند، آیات خداوند را در دل شب می‌خوانند^۵

آیه ششم، «وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَادَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتَهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ»؛ هر امتی آهنگ پیامبر خود را کرد تا او را بگیرند و به باطل جدال نمودند تا حقیقت را با آن پایمال کنند. پس آنان را فرو گرفتیم؛ پس عقاب چگونه بود^۶

۱ سوره مبارکه اعراف، آیه ۳۴.

۲ سوره مبارکه جاثیه، آیه ۲۸.

۳ سوره مبارکه انعام، آیه ۱۰۸.

۴ سوره مبارکه مائده، آیه ۶۶.

۵ سوره مبارکه آب عمران، آیه ۱۱۳.

۶ سوره مبارکه غافر، آیه ۵.

آیه هفتم، «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ؛ و هر امتی را پیامبری هست؛ پس هنگامی که رسول آنان بیاید، میانشان به قسط دادرسی شود»^۱

از آیات ذکر شده، علامه استنباط می‌کنند که قرآن برای جامعه اصالت قائل است. این ماهیت مستقل متشکل از افراد، درعین حال دارای اجزایی است که استقلال نسبی دارند، یعنی در این گونه ترکیبات، هر چه بالاتر حرکت کنیم، استقلال اجزاء مشخص تر می‌شود و هر چه به سطوح جزئی تر برویم، استقلال اجزاء کم می‌شود و به نوعی یک کثرت در وحدت و وحدت در کثرت به اصطلاح فلاسفه پیدا می‌شود. (مطهری، جامعه و تاریخ در قرآن، ۱۳۹۶: ۳۸-۴۳)

جامعه اسلامی

جامعه در نگاه اندیشمندان اسلامی، با قید اسلامیت همراه می‌شود؛ زیرا آنان همواره از دریچه دین به مسئله نگاه می‌کنند. شهید محمدباقر صدر، جامعه اسلامی تراز راه، «جامعه خلافت ربانی» یا همان جامعه آرمانی معرفی می‌کند، ایشان معتقد است که نقش مؤثر در چنین جامعه‌ای در درجه نخست از آن انسانی با اراده آزاد است و بعد از آن نیز دین داران نقش بسیار بارزی در این جامعه دارند. زیرا حقیقتاً نمونه کامل آرمانی را به انسان ارائه می‌کند و انسان را از طریق تبعیت، آن گونه که شایسته و بایسته است، به سوی حق و حقیقت رهنمون می‌شود.

ایشان معتقدند که ویژگی اصلی نظام اسلامی در برداشت معنوی از زندگی و احساس اخلاقی نسبت به آن بروز می‌کند و محور در این نظام عبارت است از فرد و جامعه را با هم دیدن و تأمین متناسب زندگی فردی و اجتماعی. در قانون گذاری و حکومت، نه فرد شالوده مرکز است و نه هویت اجتماعی بزرگ تنها چیزی است که حکومت به شمار می‌آورد و برای منفعت آن قانون گذاری می‌کند. هر نظام اجتماعی که سرچشمه در این برداشت و احساس نداشته باشد یا نظامی است که با فردیت فرد همراه شده است که در نتیجه زندگی اجتماعی را دچار بیشترین عوارض و بدترین خطرات می‌کند یا نظامی است که گرایش‌های فرد را زندانی و سرشت وی را فلج کرده است تا جامعه و منافع آن را ایمن سازد. ایشان معتقدند که اسلام سمت و سویی روشن و دقیق برای این نظام ترسیم کرده است. (حکیم، ۱۳۹۹: ۱۵۷)

^۱ سوره مبارکه یونس، آیه ۴۷.

شهید صدر معتقدند که دین بر اساس آنچه در قرآن کریم آمده است منفعت فردی را چنان دگرگون می‌کند که فرد به این باور برسد که منافع ویژه و منافع حقیقی عمومی تعیین شده برای انسانیت در اسلام، با یکدیگر مرتبط است؛ بنابراین، دین نقش اساسی در حل مشکل اجتماعی از طریق به‌کارگیری انگیزه شخصی در راستای منفعت عمومی دارد. (صدر، ۱۳۹۳: ۲۲۴)

جامعه آرمانی اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، مفهومی است که پس از انقلاب اسلامی، در حال ساخته شدن است، هرچند که شکل تام آن پس از دولت اسلامی، ایجاد خواهد شد، اما آنچه مسلم است و از متن بیانیه گام دوم برمی‌آید، در چهل سال ابتدایی تأسیس نظام اسلامی، گام اول جامعه‌پردازی برای ساخت جامعه‌ای اسلامی برداشته شده است.

آیت‌الله خامنه‌ای در یکی از خطبه‌های نماز جمعه در ابتدای انقلاب در مورد جامعه اسلامی می‌فرمایند: «منظور از جامعه اسلامی آن جامعه‌ای است که در آن عبودیت خدا بر همه افراد آن جامعه حاکم باشد یا به تعبیر بهتر روال کلی در آن جامعه و حرکت اجتماعی بر طبق فرمان خدا و آن چنان که خدا فرموده است باشد. نشانه‌های عبودیت یک جامعه در برابر خدا را می‌توان در چند چیز آشکارا دید. اگر این چند چیز در یک جامعه وجود پیدا بکند آن جامعه بنده خدا است و آن نظام، نظام الهی است. اول آن که بر این جامعه بندگان خدا حکومت کنند و نه رقبا و انداد خدا. طاغوت‌ها بر جامعه مسلط نشوند. نشانه دیگر این است که در آن جامعه احکام الهی رایج باشد. مردم به حکم خدا عمل کنند و نه به احکامی که از هوس‌ها یا هواها یا تشخیص‌های ضعیف و غلط بشر صادر شده است. نشانه دیگر این است که در جامعه عدالت استقرار داشته باشد. آن جامعه‌ای که در آن ظلم هست جامعه الهی نیست. نشانی دیگر این که در آن جامعه به مردم، به انسان‌ها، احترام بشود. بشر، انسان در آن جامعه محترم باشد. نشانه دیگر این است که در جامعه تمایز و تبعیض نباشد، سیاه‌وسفید و عرب و عجم و فلان قوم و فلان طایفه و فلان فامیل و فلان قشر از قشرهای اجتماعی، اینها موجب تمایز نباشد. انسان به‌عنوان انسانیتش در جامعه مطرح باشد و امتیاز به تقوا باشد.» (خامنه‌ای، خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۶۱)

آنچه مسلم است، جامعه اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای یک جامعه مطلوب و آرمانی است که زمینه‌سازی برای ظهور آخرین منجی بشریت می‌کند و یک نمونه اعلا بوده که می‌تواند الگوی جوامع دیگر شود و در یک بستر ترویجی، تمدنی اسلامی را پایه‌گذاری کند.

الگوی تحلیلی

در پژوهش حاضر برای فهم معنای جامعه‌پردازی به صورت معناشناسی، چند گام اجرایی می‌گردد. ابتدا مشخص شد که چه تعاریفی از جامعه وجود دارد و چرا چنین تعاریفی از جامعه در نگاه اندیشمندان غربی و اسلامی به وجود آمده است، سپس تعریف مختار که جامعه اسلامی است بحث شد و از نگاه رهبر معظم انقلاب معرفی گردید. حال برای رسیدن به جامعه مطلوب اسلامی، دو امر در گفتمان رهبر معظم انقلاب اتفاق می‌افتد؛ جامعه‌پردازی و جامعه‌سازی. این دو مفهوم با محوریت جامعه‌پردازی به روش معناشناسی باید روشن گردد، ابتدا ریشه زبانی هر دو و ترکیب ساختاری هر دو مفهوم بحث می‌شود و سپس در مقایسه با یکدیگر وجوه تمایز مشخص می‌شود. در این جا متغیر مستقل تاریخی در تحلیل تفاوت‌ها بر این دو متغیر وابسته اثرگذار است. در انتها الگوی تحلیلی پاسخ به پرسش اصلی تحقیق به صورت ذیل خواهد بود:



(تصویر شماره ۱ - الگوی تحلیلی فهم معنای جامعه‌پردازی)

جامعه‌سازی و جامعه‌پردازی

دو مفهوم «جامعه‌سازی» و «جامعه‌پردازی» از حیث معنایی بسیار نزدیک به هم دیده می‌شوند و شاید به ظاهر یکسان بودن معنای این دو واژه آن قدر بدیهی به نظر برسد که برخی از افراد اصلاً

تفاوتی بین این دو مفهوم قائل نباشند. بی‌شک اشتراکات معنایی بین این دو مفهوم وجود دارد، اما به چند دلیل باید در معنای این دو ترکیب دقیق شد، تا تمایزات آنها بیشتر روشن گردد. اول اینکه واژه مرسوم همواره جامعه‌سازی بوده است، و کمتر از لفظ جامعه‌پردازی استفاده شده و یا تقریباً در جامعه علمی چنین واژه‌ای نامأنوس می‌نماید. دوم اینکه لفظ «جامعه‌پردازی» از زبان رهبر حکیم انقلاب اسلامی نقل شده است و آن هم در یکی از مهم‌ترین متونی که ایشان تأکید دارند روی این متن کار کنید، یعنی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که یک متن رسمی و مهم و به قلم معظم له است. سوم اینکه شخصیت آیت‌الله خامنه‌ای از جهت ارتباط با ادبیات و ادیب بودن و شناخت زبان فارسی و انتخاب و ساخت واژگان و استفاده از واژگان بدیع، یک شخصیت ممتاز و ویژه است و ایشان در حوزه ادبیات و اهتمام به زبان فارسی همواره دقت‌های ویژه‌ای دارند. فلذا ساخت و استفاده از چنین ترکیبی صرفاً از سر ذوق ادبی نمی‌باشد، بلکه معنایی در ذهن‌گوینده متبادر شده است که می‌خواهد به خواننده منتقل نماید. شناخت مفهوم جامعه‌پردازی یکی از نقاط مهم پژوهش حاضر می‌باشد. برای شناخت این مفهوم در ابتدا به لغت‌نامه‌ها مراجعه کرده تا تمایز «ساختن» و «پرداختن» بیشتر مشخص شود.

ساخت و پرداخت جامعه در لغت

«ساختن» در لغت‌نامه دهخدا به معنای بنا کردن، پی‌افکندن یا بن‌افکندن آمده است، و به نظر می‌رسد این لغت به «چیزی را از ابتدا و پایه به وجود آوردن» اشاره دارد. کلمه «سازی» نیز در لغت‌نامه دهخدا این چنین آمده است که جزو دوم کلمات، مرکب از «ساز» (نعت فاعلی مرخم) و «ی» (حاصل مصدر) است. این کلمه بیشتر به اسم ذات پیوندد و حاصل مصدر سازد به معنی سازندگی، بنا کردن یا به عمل آوردن و استحصال و درست کردن چیزی اشاره دارد. همچنین به معنای «برپا کردن و منعقد کردن» نیز از مرکب «سازی» در کنار سایر کلمات استفاده می‌شود. باید اضافه کرد که مصدر دیگری تحت عنوان «سازیدن» وجود دارد که از «ساختن» می‌آید و همان معنای نزدیک «بنا کردن و برآوردن» را دارد. (دهخدا، ۱۳۸۵: ۱۱۶۴۱)

«پرداخت» در لغت‌نامه دهخدا به معنای صیقل و جلا آمده و پرداخت زدن یا پرداخت دادن به معنای صیقل زدن و جلا دادن و صیقلی کردن و پاک کردن و برق انداختن و زنگ زدودن آمده

است. همچنین در ذیل این واژه معانی دیگری چون «به انجام رسانیدن»، «به اتمام رسانیدن» و «کامل کردن» و «آماده و مهیا کردن» آمده است. پردازش کردن نیز در فرهنگ معین به معنی «به کاری دست زدن، آهنگ کاری کردن» و در معنایی جدیدتر «انجام دادن مجموعه‌ای از عملیات مختلف روی اطلاعات و داده‌ها» آمده است. (دهخدا، ۱۳۸۵: ۴۷۶۶) (معین، ۱۳۸۱: ۳۳۸)

پرداختن و ساختن جامعه در اصطلاح

توجه به مفهوم جامعه‌پردازی با استفاده از ترکیب جامعه و پرداختن، معنایی نزدیک به پرداخت جامعه، به معنای صیقل دادن به جامعه را متبادر می‌سازد. حال آن که ساخت جامعه، به معنای بنا کردن و پی‌افکندن جامعه بوده و به نظر می‌رسد که جامعه‌سازی امری است که در آن جامعه از ابتدا ساخته می‌شود. در اینجا منظور از جامعه چیست که یک جامعه را باید ساخت؟ اما در مفهوم جامعه‌پردازی، به نظر می‌رسد که جامعه‌ای ساخته شده است و اینک باید پرداخته شود، باید صیقل یابد تا از زنگارها رهایی یابد.

پرداخت زدن یکی از اصطلاحات رایج در حوزه هنر نیز می‌باشد که همین معنای صیقل و کاستن و برداشتن از چیزی را می‌دهد تا جوهر و گوهر اصلی ذات آن نمایان شود. همچون مجسمه‌سازی که با کاستن و تراشیدن سنگ، آن را تبدیل به اثری هنری و ارزشمند می‌کند، حال آنکه آن سنگ، بالقوه، یک مجسمه بوده است، اما این هنر آن مجسمه‌ساز است که با پرداختن و صیقل و تراشیدن، مجسمه را بالفعل کرده و گوهر درونی آن را با هنر خود، به نمایش می‌گذارد. در هنر طلا و نقره‌سازی نیز پرداخت زدن یک امر رایج بوده که سبب زدودن زنگار و برق افتادن و جلادادن می‌شود. این نوع از پردازش با ساخت یک اثر متفاوت است، «ساختن» نیازمند زمینه‌ها و ترکیب‌ها و مواد اولیه و بسیاری از چیزهای دیگر است که با «پرداختن» متفاوت است.

جامعه‌پردازی در اندیشه رهبر معظم انقلاب مدظله‌العالی

جامعه‌پردازی مفهومی است که شاید در عین سادگی در فهم معنای آن و تمایز قائل نشدن بین این مفهوم و جامعه‌سازی بتوان به راحتی از کنار ظرافت معنایی آن عبور کرد، اما دقت نظر ادبی و گفتمانی رهبر معظم انقلاب در ساخت‌واژگان و یا استفاده از آنها همواره مورد تأیید و تأکید و

تحسین نخبگان بوده و ایشان به‌عنوان یک ادیب متفکر، هیچگاه واژه یا مفهومی را بدون منظور به کار نمی‌برند.

برای درک بهتر تمایز جامعه‌پردازی و فهم این مفهوم، باید جامعه‌سازی را به‌عنوان نزدیک‌ترین مفهوم به آن، مشخص‌تر کنیم تا با این مرزهای غیریت، حدود معنایی مفهوم تازه رخ‌نمایی بهتری داشته باشد. برای این هدف با مراجعه به بیانات معظم له و دقت در آنها پی برده شد که یکی از مؤلفه‌های اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای در شناخت جامعه ایران اسلامی، توجه به بنیه درونی ملت ایران است. بادقت نظر در این مقوله، مفهوم جامعه‌پردازی، نوع دیگری فهم خواهد شد. یکی از تأکیدات رهبر حکیم انقلاب، این است که جامعه ایرانی از درون مستحکم است و بنیان آن قوی است، ایشان در تأکیدات سال‌های اخیرشان چندین بار به این مسئله اشاره کرده‌اند: «یکی از مهم‌ترین نقاط قوت ملت ایران و جامعه اسلامی ما این است که بنیه درونی جامعه اسلامی ما قوی و مستحکم است؛ ... این خیلی مهم است؛ استحکام بنیه درونی نظام اسلامی و ملت ایران. من قبلاً هم چندی پیش در یک سخنرانی یک اشاره‌ای به این قضیه کردم؛ الان یک مقداری بیشتر درباره آن توضیح عرض می‌کنم. این استحکام بنیه نظام اسلامی، این قوت بنیه نظام اسلامی، استحکام درونی نظام اسلامی و ملت ایران، ناشی از ایمان است. مردم ایران مردم مؤمنی هستند؛ حتی آن کسانی که ممکن است به چشم به نظر برسد که به بعضی از احکام اسلامی پایبندی درستی ندارند، ایمان قلبی‌شان خوب است؛ به خدا ایمان دارند، به دین ایمان دارند، به قرآن ایمان دارند، به ائمه هدی ایمان دارند؛ مردم باایمانی هستند. ملت ایران باایمان است، باعزت نفس است، با اعتماد به نفس است؛ اینها موجب شده است که ساخت درونی ملت ایران و نظام اسلامی استحکام پیدا کند.» (خامنه‌ای، بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۴۰۲)

این بنیه مستحکم، به‌عنوان یکی از نقاط مهم قوت کشور و نظام اسلامی توسط رهبر فرزانه انقلاب مطرح شده است، ایشان در جایی دیگر می‌فرمایند: «یکی دیگر از نقاط قوت ما، بنیه قوی و ساخت محکم کشور و نظام در مواجهه با دشمنی‌هاست. ما در مقابل دشمنی‌ها مضطرب نمی‌شویم، نگران نمی‌شویم، دغدغه پیدا نمی‌کنیم. بنیه نظام و بنیه کشور، بنیه مستحکمی است.» (خامنه‌ای، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۹۰)

بنیه مستحکم ملت ایران، نشان از آن دارد که اولاً این جامعه و ملت ساخته شده و دارای پی و بنیه ای محکم است و آنچه که باید انجام گیرد ناظر به زیربنا و باطن این جامعه نیست. باطن و زیربنای جامعه در نگاه اسلامی، ایمان و اعتقادات و باورها است که رهبر فرزانه انقلاب معتقدند که این سیرت و باطن، مستحکم است و تلاش دشمن برای تخریب آن با انواع و اقسام نقشه‌ها تاکنون ناکام مانده است و این نشان از استحکام و قوت این بنیه است. هرچند که از انحراف و استحاله در همین مورد هم نباید غفلت کرد، اما آنچه که در ظاهر جامعه اسلامی و در تحلیل برخی از کارشناسان و حتی جامعه مذهبی در برخی از مواقع مورد گلابه قرار می‌گیرد، ناظر به ظاهر و صورت جامعه کنونی است که قطعاً به طور کامل اسلامی نشده و در مسیر اسلامی شدن است. این صورت ظاهری نیازمند تغییر و تحولاتی است که در طول زمان و با اسباب مختلف رخ می‌دهد. به نظر می‌رسد، این تغییرات که بی‌شک فرآیندی چندمرحله‌ای است، باعث اسلامی‌تر شدن و رسیدن به جامعه اسلامی شده و معنایی از جامعه‌پردازی می‌باشد. باتوجه به مباحث ابتدایی ناظر به مفهوم «پرداخت زدن» که برای جامعه رخ می‌دهد، این معنا دوازدهم گوینده نمی‌نماید. یکی از قرائن دیگری که می‌توان در معنای جامعه‌پردازی باتوجه به فضای ترسیم شده از این مفهوم تاکنون و فهم بهتر به آن اشاره کرد، ناظر به تعبیر «تحول» است. معنای تحول در اندیشه مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر در موارد متعددی به کار رفته است. در متن بیانیه گام دوم خودسازی در کنار جامعه‌پردازی آمده است و باید سه مفهوم «خودسازی»، «جامعه‌پردازی» و «تمدن‌سازی» را با هم دید. در اینجا خودسازی به نوعی یک تحول درونی است که متناظر مفهوم «دولت اسلامی» بوده و ناظر به کارگزاران نظام اسلامی است. رهبر انقلاب در این مورد می‌فرماید: «بعد از آن که نظام اسلامی پیش آمد، نوبت به تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی می‌رسد؛ یا به تعبیر روشن‌تر، تشکیل منش و روش دولتمردان - یعنی ماها - به گونه اسلامی؛ چون این در وهله اول فراهم نیست؛ به تدریج و با تلاش باید به وجود آید. مسئولان و دولتمردان باید خودشان را با ضوابط و شرایطی که متعلق به یک مسئول دولت اسلامی است، تطبیق کنند. یا چنان افرادی - اگر هستند - سرکار بیابند؛ یا اگر ناقص‌اند، خودشان را به سمت کمال در آن جهت حرکت دهند و پیش ببرند. این مرحله سوم است که از آن تعبیر به ایجاد دولت اسلامی می‌کنیم. نظام اسلامی قبلاً

آمده، اکنون دولت باید اسلامی شود. دولت به معنای عام، نه به معنای هیئت وزرا؛ یعنی قوای سه‌گانه، مسئولان کشور، رهبری و همه» (خامنه‌ای، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۹) در کنار این تعبیر روشن از خودسازی که ناظر به تحولی درونی است، اما در بحث جامعه‌سازی بحث تحول کمتر در معنای اصطلاحی به ذهن متبادر می‌شود و در جامعه‌سازی فضای بنا کردن و ساختن از بنیان و پی‌افکندن وجود دارد، با دقت بیشتر و توجه به ظرافت معنایی لفظ جامعه‌پردازی، میتوان این معنی را نیز دریافت که این جامعه‌پردازی یک «تحول» را برای جامعه دنبال می‌کند تا ظاهر و صورت جامعه نیز اسلامی‌تر گردد و اساساً مفهوم «تحول» در بیانیه گام دوم را می‌توان در همین وارد شدن به دومین مرحله از «خودسازی»، «جامعه‌پردازی» و «تمدن‌سازی» که به تصریح در متن بیانیه آمده است، دنبال کرد. به بیانی دقیق‌تر یکی از مولفه‌های مهم جامعه‌پردازی، ایجاد تحول در بسیاری از حوزه‌هایی است که در سالهای اخیر رهبر انقلاب نسبت به ایجاد تحول در آنها هشدار و تذکر داده‌اند. ایشان در نسبت با مفاهیم مهم انقلاب و جامعه ایرانی، مفهوم تحول و تحول‌خواهی را به کار برده‌اند، مواردی چون «امام تحول»، «تحول و پیشرفت»، «تحول انسان‌ها»، «تحول در زندگی عمومی مردم» از جمله این مفاهیم است. به عنوان نمونه ایشان می‌فرمایند: «یک بخش هم در مورد زندگی عمومی مردم است که در این زمینه‌ها هم به معنای واقعی کلمه در بعضی از بخشها بایستی تحوّل حرکت کرد. عادات غلطی در بین ما مردم وجود دارد که با اینها بایستی برخورد کرد. با نصیحت و توصیه و راه‌حل‌های جزئی نمیشود کار کرد، یک کار تحوّل لازم است؛ مثلاً فرض کنید قضیه‌ی اسراف. در کشور ما اسراف وجود دارد؛ اسراف آب، اسراف مواد غذایی، اسراف برق. مسابقه تجمّل؛ که حالا ما اشرافیگری را نفی کردیم و زشت شمردیم که به جای خود مطلب کاملاً درستی است لکن مشکل اینجا است که ریخت‌وپاش‌های اشرافی‌گرانه به طبقات غیراشرافی هم در واقع سرایت کرده و متأسفانه مسابقه‌ی تجمّل در ازدواجها، در خانواده‌ها و کارهای گوناگون وجود دارد و باید با آن مبارزه کرد. یا بالا رفتن سن ازدواج، یا پیری جمعیت کشور و همین مسائلی که در بیانات بعضی از دوستان هم بود. خب پس همه‌ی اینها حوزه‌های لزوم تحول است، در همه‌ی اینها بایستی تحول به وجود بیاید.» (خامنه‌ای، بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی، ۱۴۰۰)

رهبر معظم انقلاب در دیدار با دانشجویان اشاره می‌کنند که تحول یعنی ایجاد یک حرکت جهشی و جهادی که معادلات را با سرعت بیشتری به سمت ما تغییر می‌دهد. همچنین تصریح می‌فرمایند که در بحث تحول ما به دنبال حفظ و تقویت اصول و خطوط اساسی انقلاب و نوآوری در شیوه‌ها و روش‌ها و کارکردها هستیم. ایشان معتقدند که مقصود غربی‌ها از تحول، نفی انقلاب است و اساساً کنار گذاشتن مفاهیم انقلابی، در صورتی که مقصود و هدف ما از تحول خواهی، تقویت انقلاب است.^۱

اما در باب ضرورت تحول در گام دوم انقلاب برای جامعه ایران اسلامی، رهبر حکیم انقلاب معتقدند که علی‌رغم پیشرفت‌های خوب و بعضاً با سرعت بالایی که در کشور انجام شده به خصوص در حوزه‌های علم و فناوری و زیرساختی و ... اما در برخی حوزه‌ها عقب‌ماندگی‌هایی وجود دارد که نیازمند حرکت جهشی و تحولی برای پیشرفت است، و البته در برخی موارد نیز برخی ظرفیت‌های کشور معطل مانده است که آنها نیز نیازمند شیوه‌های نو و تحول است تا شکوفا گردد.^۲ رهبر انقلاب معتقدند که راه اصلی ایجاد این تحول، «تشکیل یک دولت معتقد به تحول و

۱ اما مقصود ما از تحول، ایجاد یک حرکت جهشی و جهادی است در همه‌ی بخشهای اداری کشور و بخشهای حکمرانی کشور و همچنین در بخشهایی از سبک زندگی عمومی - که حالا بعد نمونه‌هایی را عرض خواهم کرد - و به طور خلاصه، حفظ و تقویت اصول و خطوط اساسی انقلاب و نوآوری در شیوه‌ها و روشها و کارکردها. (بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکلهای دانشجویی - ۱۴۰۰/۰۲/۲۱)

۲ در کنار این پیشرفتها ما در جاهایی عقب‌ماندگی داریم و مشکلات مزمن شده داریم که این مشکلات بایستی حل بشود. در حوزه‌ی اقتصاد، در حوزه‌ی عدالت، به طور جدی مشکل داریم؛ در زمینه‌ی آسیب‌های اجتماعی مشکلات اساسی داریم که بعضی از اینها حقیقتاً به صورت بیماری مزمن هم درآمده و نیاز به راه‌حل‌های جدی دارد؛ علاوه‌ی بر اینکه این عقب‌ماندگی‌ها وجود دارد و ناشی از غفلتهای ما است، بعضی از غرض‌ورزی‌ها هم موجب زاویه‌دار شدن با خط انقلاب و تدریجاً پشت کردن به انقلاب شده و بنابراین این وضعیت ایجاد میکند که ما به فکر یک حرکت تحولی باشیم.

علاوه‌ی بر اینها بر اثر همین غفلتهای ما، بسیاری از ظرفیتهای معطل مانده. ظرفیتهای بسیاری در کشور وجود دارد، فرصتهای به معنای حقیقی کلمه فراوان بلکه بی‌شمار در کشور هست که اینها بدون استفاده مانده و این مایه‌ی خسارت برای منافع ملی است. خب این مشکلات را با یک حرکت عادی نمیشود برطرف کرد، با این حرکت معمولی عادی که در کار اداری حکمرانی کشور هست نمیشود، یک حرکت فوق‌العاده لازم است، یک

معتقد به عنصر تحوّل آفرین، یعنی عنصر جوان نخبه مؤمن انقلابی؛ یعنی شرطش این است که مؤمن باشد و انقلابی باشد. ... بایستی، هم جوان باشد، هم مؤمن باشد، هم انقلابی باشد؛ یعنی این عناصر بایستی در مجموعه دولت جمع باشد. پس بنابراین، هم تحوّل لازم است، هم تحوّل ممکن است، هم شرطش حضور یک دولتی است که معتقد به جوان‌ها باشد و جوان‌ها را به کار بگیرد و این کار انجام خواهد گرفت.» (خامنه‌ای، بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکلهای دانشجویی، ۱۴۰۰) این بیان نشان می‌دهد که ایجاد تحوّل به معنای واقعی، از مسیر مردم‌سالاری دینی و شکل‌گیری دولت جوان مؤمن انقلابی می‌گذرد. با توجه به اینکه رهبر انقلاب معتقدند که مأموریت شکل‌دادن و جامعه‌پردازی و رسیدن به جامعه اسلامی اساساً با دولت اسلامی است و این دولت جوان مؤمن انقلابی، بخشی از این دولت اسلامی خواهد بود، فلذا ایجاد تحوّل به‌عنوان یک فاکتور مهم جامعه‌پردازی برای رسیدن به جامعه اسلامی نیز به‌وسیله این دولت اسلامی انجام می‌شود.

از این نکته نیز نباید غفلت کرد که جامعه‌پردازی در چهل سال دوم انقلاب، وارد مرحله دوم شده است، فلذا مرحله‌ای پیشین و ابتدایی داشته است. با این تصور، به نظر می‌رسد که عمده شکل‌گیری و به‌نوعی «جامعه‌سازی»، برای جامعه ایرانی که منتج به انقلاب اسلامی شد، پیش از انقلاب رخ داده و در دوران نهضت اسلامی یعنی بین سال‌های ۴۲ تا ۵۷ در اوج خودش قرار داشته است. البته این امر، یک سابقه تاریخی و حاصل انباشت سالیان بلکه قرون گذشته در تاریخ این مرز و بوم بوده و تجارب حاصل از همه این سالها در ساخت جامعه ایران، موثر بوده است. اما با وقوع انقلاب اسلامی و تحوّل در حکومت ایران، امکان پرداخت این جامعه نیز به وجود آمده است و این امر با تشکیل نظام اسلامی به عنوان گام دوم فرآیند انقلاب اسلامی، سرعت گرفته است و امروز در صورت نهایی شدن دولت اسلامی، و عبور از این مرحله، سرعت و کیفیتی مضاعف خواهد گرفت، زیرا رهبر انقلاب معتقدند که مأموریت اصلی دولت اسلامی، تشکیل و

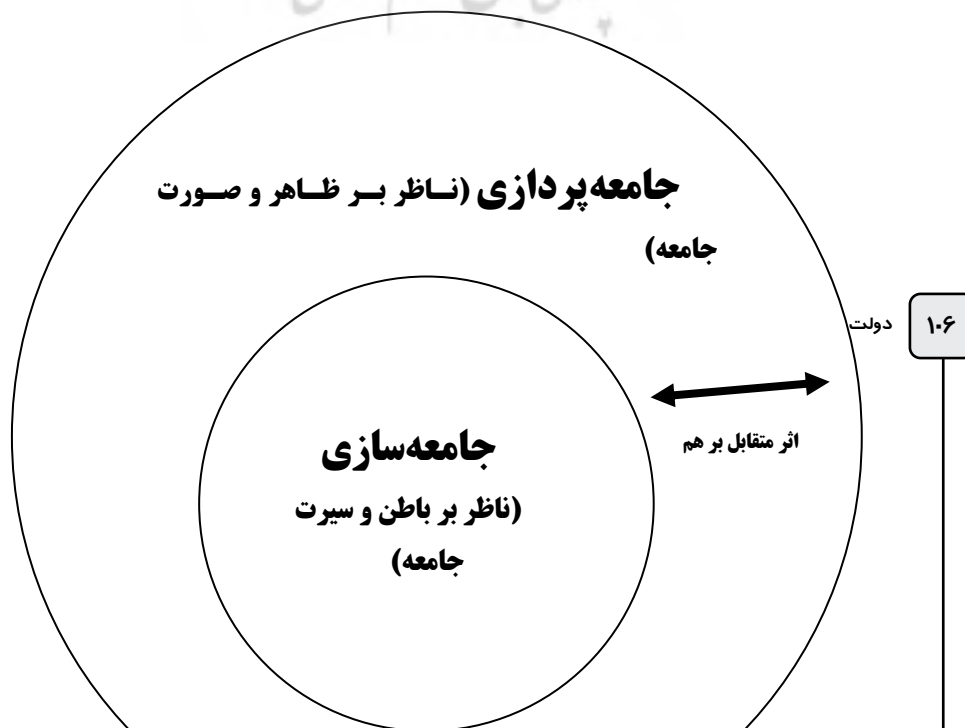
حرکت جهشی لازم است، یک حرکت ابتکاری لازم است. باید نوآوری وجود داشته باشد و این کار باید انجام بگیرد. این جزو مسلمات این دوره‌ی از انقلاب است برای گام دوم. (بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکلهای دانشجویی - ۱۴۰۰/۰۲/۲۱)

تکمیل جامعه اسلامی است. باید همواره اذعان داشت که جامعه‌پردازی در نسبت با جامعه‌سازی معنا می‌یابد، جامعه‌پردازی یک پروسه ادامه‌دار است و با جامعه‌سازی از این حیث متفاوت است. تاثیرات ایجاد دولت اسلامی بر جامعه و بالعکس، در جامعه‌پردازی نیز موثر خواهد بود. رهبر معظم انقلاب به صورت ضمنی در بیانات متعددی اشاره به فاصله جامعه کنونی با جامعه مطلوب اسلامی دارند. ایشان در جایی به این نکته اشاره می‌کنند که ما باید آرمان‌های اسلامی و انقلابی را در جامعه محقق کنیم. (خامنه‌ای، بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی، ۱۴۰۰) اگر به نقطه‌ای رسیدیم که همه آرمان‌های بلند جمهوری اسلامی در جامعه لباس تحقق به تن کردند، جامعه اسلامی پا به عرصه وجود گذاشته است. البته توجه به این نکته ضروری به نظر می‌رسد که در اندیشه اسلامی، این ملت هستند که باید بار امانت را به سر منزل مقصود برسانند و دولت‌ها بیشتر نقش هدایت و حمایت این حرکت را داشته و موظف به فراهم کردن بستر مناسب برای حرکت ملت هستند. شاید بتوان اینگونه گفت که جامعه‌پردازی پروسه‌ای است که طی آن ملت با پشتیبانی دولت، لوازم حرکت معقول و منضبط جمعی به سمت جامعه مطلوب را در خود ایجاد کرده و با تکیه بر این خودساختگی مجموعه کامل آرمان‌های اسلامی و انقلابی را در جامعه پیاده می‌کند.

همچنین تبیین موضوع اصالت فرد یا جامعه در گفتمان رهبر انقلاب، مسئله جامعه‌پردازی را روشن تر می‌کند. علاوه بر اینکه جامعه‌پردازی متوجه کارگزاران نظام اسلامی به‌عنوان مأموریتی مهم است، اما با توجه به نوع نظام جمهوری اسلامی که مردم‌سالاری دینی است و همه چیز به‌نوعی با حضور ملت رقم می‌خورد و به حرکت در می‌آید، سوال مهمی در این بین به ذهن متبادر می‌شود که چه کسانی باید جامعه‌پردازی را محقق کنند؟ در نگاه قرآنی که دیدگاه رهبر معظم انقلاب نیز از آن نشئت گرفته است، جامعه یا به تعبیری دقیق‌تر مردم، خود متولی جامعه‌پردازی هستند و اساساً دولت اسلامی برآمده از مردم در حکومت اسلامی نیز چیزی جز مردم نیست. با این توضیح که جامعه ترکیب افراد است به‌نحوی که هویتی جدید پدید می‌آید، اما این هویت جدید نافی هویت‌های فردی آحاد ملت نخواهد بود؛ بنابراین جامعه‌پردازی وظیفه این مردم است. یعنی هم

تک‌تک اعضا در قبال آن مسئول هستند و هم هویت جمعی ایجاد شده مسئولیت دارد. یعنی در مسیر جامعه‌پردازی هم انسان تمدن‌ساز تربیت می‌شود و هم جامعه تمدن‌ساز ایجاد می‌شود و ایجاد چنین جامعه‌ای از رهگذر پرورش لوازم حرکت معقول و منضبط به سمت آرمان‌ها میسر خواهد بود. البته از این نکته نیز نباید غفلت که امام امت نقش هدایت و رهبری این مردم در مسیر ساخت و پرداخت جامعه را بر عهده دارد و این هدایت با تأیید الهی وسیله سعادت جامعه خواهد بود.

در ادامه برای تقریب بهتر به ذهن از تمایز و اشتراکات معنایی جامعه‌پردازی و جامعه‌سازی تصویر زیر به‌عنوان طرح ساده‌ای به شکل ظاهر و باطن طراحی گردید. در این طرح مشخص است که رفتارها و اعمال در شکل دادن به‌ظاهر جامعه ناظر به جامعه‌پردازی بوده و هر میزان که تقویت زیرساختی و استحکام درونی و باطنی موردنظر است ناظر به جامعه‌سازی خواهد بود. این شکل در مجموع یک جامعه است که قطعاً باطن از ظاهر جدا نبوده و قسمت‌های پیوند و اشتراک بین اینها برقرار است و روح حاکم بر آن نیز در جامعه اسلامی، توحید خواهد بود. اما امروز باتوجه‌به قرار گرفتن در چهل سال دوم انقلاب اسلامی و مسیر حرکتی جدید که توسط رهبر انقلاب طراحی شده است و باتوجه‌به موقعیت جدید نظام اسلامی در نظم جدید بین‌الملل، آنچه که بیش‌ازپیش موردنیاز است، شناخت و تقویت مؤلفه‌های جامعه‌پردازی است که در بیانات معظم له باید رهگیری و مشخص گردد. تحقیق حاضر تلاشی بود در جهت فهم درست معنای جامعه‌پردازی و تمایزات آن با جامعه‌سازی تا بتوان در ادامه ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های این دو را بهتر و بیشتر تعیین کرد و در ساخت و پرداخت جامعه اسلامی که مرحله چهارم فرآیند رسیدن به تمدن اسلامی است مؤثر واقع شد.



(تصویر شماره ۲ - فرآیند تکامل و تکوین جامعه مطلوب)

نتیجه گیری

جامعه‌پردازی و جامعه‌سازی دو مفهوم کاملاً جدا از یکدیگر نیستند، و در برخی موارد مرز بین این دو کاملاً مشخص نیست، اما باید اذعان داشت که تمایزهایی دارند که در این مقاله سعی بر تبیین مفهومی آنها بود. باید دقت نظر داشت که ممکن است در سطح جامعه، هم ساخت و هم پرداخت هم‌زمان و با شدت‌های مختلف صورت پذیرد، اما آنچه از متن بیانیه و از نگاه دقیق رهبر انقلاب اسلامی برمی‌آید این است که امروز جامعه ایرانی، بیشتر و پررنگ‌تر از گذشته به جامعه‌پردازی نیاز دارد تا جامعه‌سازی و در گام دوم انقلاب، کفه ترازو باید بیشتر ناظر بر پردازش جامعه باشد و جامعه‌پردازی صورت پذیرد. در عین حال ممکن است در برخی مواقع و شرایط، نیازمند جامعه‌سازی باشیم. قرابت‌های این دو مفهوم مهم که تفاوت‌های ظریفی با یکدیگر دارند، بسیاری از پژوهشگران را به یکسان پنداشتن مفهوم این دو و به نوعی یکی دیدن آنها وادار کرده است، البته

این نکته، اشکال جدی و اساسی در کار پژوهشگران نبوده، چرا که به صورت شفاف و علنی تعریف دقیق و ذکر تفاوت‌ها توسط رهبر حکیم انقلاب بیان نشده است و هر دوی این مفاهیم به تعبیری در مسیر تکوین جامعه اسلامی و رسیدن به تمدن نوین اسلامی به کار می‌رود. اما دقت در معنای این اصطلاحات، مسیر رسیدن و توجه به آنها را در سطوح راهبردی، هموارتر خواهد کرد. در انتها باید گفت که جامعه‌پردازی بادقت و تأمل در مفهوم «پرداختن» و تفاوت آن با «ساختن» از حیث معنایی و ساختار زبانی، در مقاله حاضر تشریح گردید و با توجه به مطالب بیان شده این اصطلاح به معنای صیقل دادن جامعه ناظر به شکل دادن به ظاهر و رویه جامعه اسلامی بوده که نیازمند اسلامی تر شدن در چله دوم انقلاب است. حال آنکه مفهوم جامعه‌سازی ناظر به بناکردن جامعه بوده که عمدتاً مربوط به زیرساخت و باطن آن است.

توجه به ورود به دومین مرحله از جامعه‌پردازی در متن بیانیه گام دوم، حاکی از وجود مرحله نخست آن در چهل سال اول انقلاب بوده، امری که نشان می‌دهد جامعه‌پردازی پیش از انقلاب و در حکومت طاغوت امکان بروز نداشته است، حال آن که ساخت جامعه می‌تواند از زمان نهضت سال ۴۲ یا پیش‌تر از آن آغاز شده باشد.

مفهوم استحکام بنیه درونی ملت ایران به عنوان نقطه قوتی که رهبر انقلاب اذعان دارند یکی از عوامل پیش‌برنده انقلاب و مصون‌ماندن از نقشه‌های دشمن است، اساساً ناشی از جامعه‌سازی بوده و به نوعی تکامل این جامعه‌سازی را در پی دارد، این بنیه درونی توسط ایشان تشریح گردید و مؤلفه‌هایی چون ایمان و باورها و اعتقادات ملت ایران تشکیل دهنده آن است. اما در مورد جامعه‌پردازی می‌توان به یکی از فاکتورهای مهم آن یعنی موضوع «تحول» اشاره نمود که اساساً این مفهوم در سال‌های اخیر به دفعات توسط رهبر انقلاب تکرار شده و «تحول در زندگی عمومی مردم» و در خیلی از موارد دیگر ناظر به بحث ظاهر جامعه اسلامی است، حال آنکه استحکام درونی ملت، ناظر به باطن و سیرت جامعه اسلامی می‌باشد.

باید دقت داشت که رسیدن به عدالت، رفاه عمومی، تولید ثروت، پیشرفت، شکستن مرزهای علمی و خیل اهداف مهم دیگر که در مسیر ساخت تمدن اسلامی توسط رهبر حکیم انقلاب طرح شده است، نیازمند فرآیند درست جامعه‌پردازی به وسیله راهبردهایی است که از رهگذر نگاه ایشان به درستی بیان شده است، مسائلی چون کار و تلاش جهادی و شبانه‌روزی، ایجاد تحول،

جوان‌گرایی، اعتماد به سنت‌های الهی، شناخت ظرفیت‌های کشور، جهاد تبیین و نظایر اینها، از جمله مواردی هستند که در این جامعه‌پردازی ناظر به تغییر و شکل‌دادن و پرداخت زدن به‌ظاهر و صورت جامعه اسلامی ایران وجود خواهد داشت. حال آنکه ساخت این جامعه به‌نوعی مستحکم بوده و البته مواردی چون تقویت ایمان و باورهای دینی، توجه به هویت اسلامی، تلاش برای حضور و مشارکت بیشتر مردم در تمام عرصه‌ها به‌عنوان ارکان اصلی ساخت این جامعه باید همواره تقویت و مراقبت شود تا شاکله این جامعه آسیب نیند.



فهرست منابع

The Holy Quran

- " .۱۳۷۱ .—Statements in the visit of the pilgrims and the neighbors of the holy shrine of Razavi." 15 01. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2609>.
- " .۱۳۷۹ .—Statements in the meeting of officials of the Nizam." 12 09. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3039>.
- " .۱۴۰۰ .—Statements in video communication with representatives of student organizations." 21 02. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47834>.
- .۱۸۰۹ .—Über sociale Differenzierung. Leipzig: Duncker & Humblot.
- .۱۹۵۸ .—Leviathan. Harmondsworth: Penguin.
- .۲۰۱۲ .—An introduction to the critique of political economy. Translated by Sadiq Ansari. Tehran: Akhgar.
- .۲۰۱۲ .—Outline of Islamic thought in the Qur'an. Tehran: Sohba.
- " .۲۰۱۳ .—Statements in a meeting with the students of Kermanshah." 24 07. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17597>.
- " .۲۰۱۳ .—Statements in Tehran Friday prayer sermons." 14 11. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18923>.
- .۲۰۱۹ .—Grundrissh; Economic manuscripts 1857-1858. Translated by Hassan Mortazavi and Kamal Khosravi. Tehran: Lahita.
- .۲۰۱۹ .—Poverty of philosophy. Translated by Vahid Islamzadeh. Tehran: Andisheh Ehsan.
- Adam Ferguson. 1966. An Essay on the History of Civil Society. Edinburgh: University Press.
- Ali Akbar Dehkhoda. 2015. Dehkhoda dictionary. Volume 4. Tehran: University of Tehran.
- Ali Dehchali 2019. Dissertation examining the dimensions of socialization in the thought of Ayatollah Azmi Khamenei. Tehran: Imam Sadeq University.
- C Robson. 1993. Real World Rsearch. Oxford: Blackwell.
- Crawford Brough Macpherson. 1962. The Political Theory of Possessive Individualism. Oxford: Oxford University Press.
- E Durkheim و M Mauss. 1963. Primitive Classification. London: Cohen & West.
- EMILE DURKHEIM. 1983. Durkheim: The Rules of Sociological Method And Selected Texts on Sociology and its Method. تحرير STEVEN LUKES. London: Macmillan.
- Emile Durkheim. 2009. Sociology and Philosophy. London: Routledge.

- G Simmel. 1896. "Superiority and Subordination as Subject-matter of Sociology." American Journal of Sociology 167.
- Hamid Parsania. 1380. "The nature and existence of society from the point of view of professor Motahari." Political Science Quarterly 197-220.
- Hassan Khairi 2019. Socialization, an introduction to the normative system of Islam. Qom: Al-Mustafa International Translation and Publishing Center.
- Hassan Omid 1375. Farhang Omid. Tehran: Amir Kabir.
- Karim Mehri 2013. "Islamic society theory based on the Supreme Leader's statement: background, process and consequences." Epistemological Studies Quarterly in Islamic University.
- Karl Marx, and Friedrich Engels. 2017. German ideology. Translated by Tirdad Niki and Azizullah Alizadeh. Tehran, Ferdous.
- Karl Marx. 1402. Economic and philosophical manuscripts of 1844. Translated by Hassan Mortazavi. Tehran: Ashian.
- Max Weber. 1978. Economy And Society. G Roth و C Wittich. Los Angeles: University of California Press.
- Mohammad Moin 1381. Farhan Farsi Moin. Tehran: Adna, New Way Book.
- Morteza Motahari 2014. Society and history. Tehran: Sadra.
- R.N Bellah. 1973. Emile Durkheim on Morality and Society. Chigago: University Press.
- Seyed Ali Khamenei 1361. Friday prayer sermons. Tehran, 10 10.
- Seyed Ali Khamenei 1402. "Statements in the congregation of pilgrims and those nearby the sacred shrine of Razavi." 01 01. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=52275>.
- Seyed Ali Khamenei 2017. Declaration of the second step of the revolution addressed to the people of Iran. Tehran, 22 11.
- Seyed Ibrahim, the head of Sadat. 2018. "Socialization in the second stage of the Islamic revolution with the theory of "revolutionary system"." Scientific research quarterly of social theories of Muslim thinkers.
- Seyyed Mohammad Bagher Sadr. 2013. Our economy. Translated by Mohammad Mahdi Burhani. Qom: Dar al-Sadr.
- Seyyed Mohammad Hossein Tabatabai. 1363. Translation of Tafsir al-Mizan. Translated by Nasser Makarem Shirazi. Tehran: Allameh Tabatabai.
- Seyyed Munzer Hakim. 2019. Our society in the thought and works of Martyr Seyyed Mohammad Bagher Sadr. Translated by Masoud Fakhri. Tehran: Soroush.
- T Thompson. 1976. Auguste Comte: The Foundation of Sociology. London: Nelson.
- thomas Hobbes. 1928. Elements of Law. Cambridge: Cambridge University Press.

